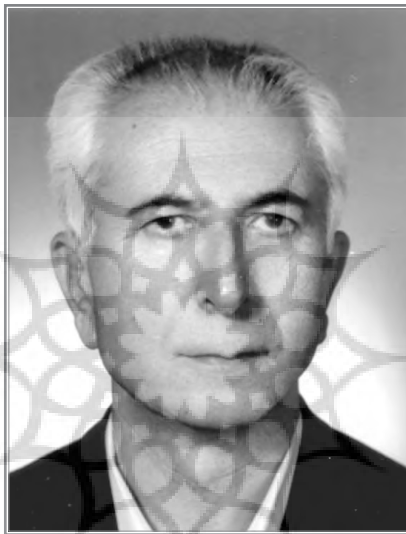


تعامل با جمعیت ۷۳/۵ میلیونی

دیدگاه دکتر حبیب الله زنجانی، رییس انجمن جمعیت‌شناسی ایران و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

مسکن مقوله دیگری است که سؤالاتی را در پرسشنامه تحول اقتصادی خانوار، به خود اختصاص داده است. ساده‌ترین نکته در این زمینه، روشن شدن وضع تصرف واحد مسکونی است که به صورت ملکی، اجاره‌ای، در برابر خدمت و رایگان در نظر گرفته شده است. تهیه‌کنندگان این پرسشنامه، مسکن اجاره‌ای را مورد توجه بیشتری قرار داده‌اند، زیرا مبلغ اجاره و مستندات آن - یعنی اجاره‌نامه - را مطالبه نموده‌اند.

برخورد با این موضوع، پیچیده، ابهام‌آور و غیرقابل کنترل است، چرا که پاسخ‌های به دست آمده، نمی‌توانند ملاک تصمیم‌گیری‌های درستی در یکی از ابعاد مهم طرح تحول اقتصادی باشند. پیچیدگی مسأله از آنجا معلوم می‌شود که در بین ۲۵ جدول ویژگی‌های واحدهای مسکونی که از یافته‌های سرشماری ۸۵ انتشار یافته است، هنوز یکی از کاربردی‌ترین آنها، یعنی تعداد واحدهای مسکونی برحسب نحوه تصرف واحد مسکونی، انتشار نیافته است. به استناد داده‌های سرشماری سال ۷۵، کمی بیش از ۱۲ میلیون و ۲۸۰ هزار خانوار در کشور وجود داشته است که نزدیک به ۱/۹ میلیون خانوار آن (۱۵/۴ درصد)، اجاره‌نشین بوده‌اند. در صورتی که تعداد خانوارهای مستأجر طی فاصله سال‌های ۷۵ تا ۸۷ در کشور، متناسب با تعداد خانوارهای معمولی ساکن افزایش یافته باشد، شمار آنها



باید در سال ۸۵، به حدود ۲ میلیون و ۶۹۳ هزار و در حال حاضر به حدود ۲ میلیون و ۸۸۹ هزار خانوار رسیده باشد که حداقل باید ۸۷/۵ درصد آنها، یعنی ۲/۵۲۸ میلیون خانوار مستأجر، در نقاط شهری سکونت داشته باشند. گرچه بخشی از این خانوارهای مستأجر، خود دارای واحدهای مسکونی ملکی هستند که به دلایلی به اجاره واگذار کرده و در واحدهای اجاره‌ای دیگری سکنی گزیده‌اند و تمیز و تشخیص آنها از روی پاسخ‌های پرسشنامه تحول اقتصادی، اگرچه غیرممکن، اما بسیار دشوار است.

نکته مهم دیگری که قابل ذکر است، طولانی بودن زمان جمع‌آوری آمار و اطلاعات و تبدیل آنها به داده‌های قابل استفاده در برنامه‌ریزی‌ها است. تجربه نشان می‌دهد که اقداماتی نظیر تعویض شناسنامه‌ها و اجرای طرح کد ملی که به ظاهر، ساده‌تر از اجرای طرح تحول اقتصادی می‌باشند، سال‌ها طول کشیده و تاکنون نیز پوشش کامل نیافته‌اند. حتی برخی از طرح‌ها نظیر طرح تدوین شناسنامه املاک، که در دهه ۶۰ از شهر تهران آغاز گردید، به دلیل عدم تفکر و اندیشه در رویارویی با مسایل، ناکام ماند و بی‌هیچ توضیحی کنار گذاشته شد.

آنچه از دید جمعیت‌شناسی می‌تواند اجرای طرح تحول اقتصادی را به درازا بکشاند، پایین ماندن ضریب پوشش گردآوری آمار و اطلاعات مربوط به طرح است که از تأخیر در تکمیل پرسش‌نامه‌ها یا ارائه پاسخ‌های ناقص به سؤالات آن حاصل می‌شود و یکی از دلایل آن نیز، عدم شفافیت طرح، سؤالات و ابهامات گوناگونی است که برخی از آنها در بحث‌ها و اظهارنظرهای کارشناسان و متخصصان در رسانه‌های جمعی، مطرح شده و اغلب بلاجواب مانده‌اند. ■

کلمه «تحول»، سیرتدریجی ولی نسبتاً سریع امور را از حالتی به حالت دیگر نشان می‌دهد و تغییراتی را مدنظر دارد که سرانجام، تفاوت عمده‌ای را در وضع موجود پیش آورد و به وضع دیگری بینجامد. آنچه که در این مقوله مطرح است، چگونگی این تغییر و عاقبت آن است. برای آن که چنین تغییری به نتیجه مطلوب تری برسد، ارکان آن باید به خوبی تعریف شود، هدف‌های آن معرفی گردد و از آغاز تا پایان راهی که باید برای حصول به آن اهداف طی شود، مشخص گردد. علاوه بر همه آنها، مستندات علمی و فنی طرح باید «جامع و مانع بودن طرح» و مناسب بودن روش‌های انجام آن را مدلل نماید تا به گونه‌ای عمل نشود که ناکارآمدی آن در نیمه راه روشن شود و خسران بزرگی را به بار آورد.

یکی از عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی، عرصه تحولات اقتصادی است و در این سخن، تنها رابطه جمعیت و تحول اقتصادی، مدنظر قرار گرفته و به برخی از زیرمجموعه‌های آن یعنی جمعیت، مسکن و تحول اقتصادی پرداخته می‌شود.

طی سال ۸۵ در ایران، ۷۰ میلیون و ۴۷۳ هزار نفر سرشماری شده بودند که بخشی (هرچند کوچک) از جمعیت کشور در آن به شمار نیامده است. به نظر می‌رسد که جمعیت کشور در حال حاضر، با احتساب کم‌شماری‌ها و شمارش کمتر مهاجران خارجی مقیم - که باید جزو

جمعیت کشور به حساب آیند - کمتر از ۷۳/۵ میلیون نفر نباشد. این مسأله، یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تحول اقتصادی محسوب می‌شود و در صورتی که هدف آن باشد که اثر این عامل با شفافیت بیشتری دنبال شود، باید به ویژگی‌های عمده این جمعیت کثیر، به ویژه فعالیت، اشتغال و بیکاری پرداخته شود. هریک از این مقوله‌ها با اما و اگرهایی همراهند و چالش‌هایی را پیش روی دارند که در یک برنامه تحول اقتصادی، نمی‌توان از آنها غافل ماند.

سنگ محک در طرح تحول

فعالیت چیست؟ چه تعداد از این جمعیت، واقعاً فعال هستند؟ چه تعداد از آنها شاغلند؟ گروه‌بندی این شاغلان بر حسب درآمد چگونه است؟ آیا پس از ۴۰ سال آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار، ارقام قابل اعتمادی از درآمد خانوارها به دست آمده است؟ چگونه است که در طول این دوره طولانی - به استثنای چند سال - همواره درآمدها کمتر از هزینه‌ها بوده است؟ در چنین شرایطی، چگونه این همه ثروت ملی در کشور تولید شده است؟ چه تعداد از افراد بیکارند و چرا؟ آیا این افراد در عین حال که بیکار هستند، درآمدی هم دارند؟ و اگر چنین است، این مسأله در طرح تحول اقتصادی چگونه دیده شده و چه تمهیداتی برای کاهش آثار نامطلوب آن اندیشیده شده است؟

از سوی دیگر، ارزیابی دارایی‌های خانوار که نمود دیگری از منابع درآمدی را به دست می‌دهد، چگونه صورت می‌گیرد؟ در شرایط تغییرات شگرف قیمت‌ها و چند برابر شدن بهای بعضی از دارایی‌ها در کوتاه‌مدت، چه راهی برای شناخت توانمندی‌های اقتصادی خانوارها وجود دارد؟